

سبک زندگی جوان ترین سر هنگ ناجا

هر لحظه مرزبانی

با یاد مرگ همراه است

می گویند منطقه را مثل کف دست می شناسد و به قول خود شان کف پوتینش، کلکسیونبی است از وچپ به وچپ خاک این منطقه؛ جوان ترین سر هنگ نیروی انتظامی فارغ از کشور را به عهده دار.

سن وسال کمش، فرماندهی خطرناک ترین نقطه مرزی کشور را به عهده دار.

اگر گونه که «سنیم» روایت کرده، جواد رفیعی فرمانده ۳۶ساله هنگ مرزی جکیگور تمام ۱۲ سال خدمتش را در نیروی انتظامی در مرزهای کشور گذرانده است؛ از مرزهای غربی در منطقه مرصاد تا مرزهای شرقی چلچراو و جکیگور در سیستان و بلوچستان... او از سختی خدمت در مرزهای کشور خاطرات بسیاری دارد، خاطراتی شیرین از سختی تشنگی و سرمای روزها نشستن در کمین اشراو و کاروان‌های مواد مخدر در دمای ۵۰ درجه تابستان و سرمای استخوان سوز زمستان کویر و روزها وساعتی که تحمل شرایط غیرقابل باورش تنها با انگیزه آرامش بخشی به کشور امکان پذیر است.

در کنار یکی از برجک‌های مرزی ایستاده و با انگشت سبابه، گوها و دشت های یک دست خاکی اطراف را نشانمان می دهد و می گوید پیش از اینکه امنیت منطقه به مرزبانی سپرده شود و نیروهای مرزبانی اینجا مستقر شوند، هیچ نیرویی در مرزهای این بخش وجود نداشت و این منطقه کلاً بارها شده بود؛ آنقدرها که جولانگاه امن اشراو قاچاقچیان محسوب می شد. به راهای خاکی و باریکی که هنوز آثار نیمه محسوسی از آنها باقی مانده و تا آن طرف خط مرزی کشیده شده اشاره می کند و ادامه می دهد: اشراو قاچاقچی های مصاد مخدر به راحتی از اینجا تردد داشتند و پاکستان هم هیچ کنترلی روی مرزهای این نقطه نداشت. البته امروز هم کرچه مرزهای این منطقه کاملاً یک طرفه از سوی ایران کنترل می شود، ولی با توجه به حضور نیروهای مرزبانی در مرزهای این نقطه و احداث کانال ها، بر جک‌ها و پاسگاه‌های مرزی، خوشبختانه این همه سختی‌ها و مشکلات موجود، کنترل بسیار خوبی روی مرزهای این نقطه از کشور وجود دارد. با دست نوبت برچگی را نشانمان می دهد می گوید: اینجا همان جایی است که شهید دانیلی فر و چهار نفر دیگر از مرزبان ها را به گروگان گرفتند. انگشش را به سمت شیاری که در دست در مقابل برجک و میل مرزی ۳۲۷ روی کوه ایجاد شده در می کند و می گوید: امتداد این بچه‌های ما، اشراو از همین شیر وار د شدند و بعد هم از همین شیر وارد پاکستان شدند.

از سختی کار در مرزی می گوید و حکایت مرارت‌های زندگی یک مرزبان، مرارت‌هایی که گاه دامنش دامن آدم‌های هزاران کیلومتر آن طرف‌تر از مرزا را نیز می گیرد آدم‌هایی که سختی حضور فرزند، همسر یا خانواده‌شان در مرز، بر زندگی آنها نیز سایه انداخته... حرف به خانواده‌اش، همسر و پسر تک دبستانی اش «امیرمحمد» کشیده می شده می گوید کمتر سالی را به یاد می آورد که در جشن تولد «امیرمحمد» حاضر بوده است. می گوید حتی در این ۱۲ سال خاطراتی از لحظه تحویل سال در کنار همسر و امیرمحمد ندارد؛ متعجب نگاهش می کنم، لبخند می زند و می گوید: – به هر حال وضعیت امنیتی مرزها و شرایط شغلی ما به نحوی است که نمی‌شود مرزها را رها کرد. این دوری از خانواده نه فقط برای من، بلکه برای برای تمام بچه‌ها طبیعی است.

– برای امیرمحمد چطور!؟

– به هر حال ما بیشتر اوقات در مرز هستیم و همسر و خانواده ما باید جور ما و نودمان را در کنار خانواده بکشند. هیچ گلاب‌های از سختی کار و شرایط شغلی اش در حالت چهره آفتاب سوخته‌اش وجود ندارد. دست‌هایش را سبایان چشمه‌هایش که زیر تیغ تیز آفتاب نیمه بسته شده می کند و می گوید: شاید باور کردنش سخت باشد، ولی شرایط شغلی ما به رغم تمام مشکلاتش، برای خودمان و خانواده‌هایمان پرافتخار است. آنقدر پسر افتخار که سختی‌هایش کمتر به چشم می آید.

با اینکه هنوز تنها ۲۶سال را پشت سر گذاشته‌ایم، ولی معتقد است که هر لحظه مرزبانی با یاد مرگ همراه است. می گوید آدم‌هایی اینجا به خدا نزدیک‌ترند. آنقدر نزدیک که گاهی باورش سخت می شود که روزی در کنار ما بوده‌اند.

۴ کشته در تصادف

پراید و ام‌وی ام

تصادف خودروهای ام‌وی ام و سواری پراید در محور اردبیل به مغان چهار کشته و دو مجروح بر جا گذاشت.
این حادثه ساعت ۱۷ و ۱۰ دقیقه عصر روز گذشته حوالی روستای «امیرکندی» اتفاق افتاد و بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد که سه نفر از سرنشینان سواری پراید و یک نفر از سرنشینان خودروی ام وی ام کشته شده است و دو نفر دیگر مجروح شده‌اند. تجاوز به به چپ راننده خودروی ام وی ام، علت حادثه اعلام شده است.



پسر جوانی که متهم است پدرو خواهر جوانش را در خانه‌شان در شمال تهران به قتل رسانده است، پسه زودی در دادگاه کیفری محاکمه خواهد شد.
به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه شامگاه یک شنبه ۱۶ فروردین ماه امسال بود که مأموران کلانتری فلسطین از قتل دو عضو یک خانواده در مجتمع مسکونی شماره ۳۲۷ خیابان فلسطین روبه‌روی خیابان ایتالیا با خبر شدند. راهی محل شدند. مأموران در نخستین گام در قتلگاه با جسد خونین مرد ۶۵ساله‌ای به نام ساسان داخل آشپزخانه روبه‌رو شدند که با ضربات چاقو به قتل رسیده بود. پس از این مأموران جسد دختر ۲۷ساله مقتول به نام آرزو را که طنابی به گردنش آویزان بود، در اتاق خواب پیدا کردند.

مأموران همچنین در محل حادثه با پسر جوانی به نام فریدو یکی از دوستانش روبه‌رو شدند که مشخص شد فرید خیر قتل پدر و خواهرش را به مأموران پلیس اطلاع داده است. لحظاتی بعد قاضی سعید احمدیگی، باز پرس ویژه قتل دادسرای جنایی تهران همراه کار اگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شد. تیم جنایی همزمان با بررسی صحنه جنایت در یافتند ساسان که پزشک متخصص طب سوزنی است با اصابت سه ضربه چاقو به گردن، قلب و دست به قتل رسیده است و آرزو که دانشجوی فوق لیسانس ژئوفیزیک یکی از دانشگاه‌های تهران است با فشار بر عناصر حیاتی گردن به کام مرگ رفته است. بررسی‌های صحنه جنایت، حکایت از آن داشت که عامل یا عاملان این حادثه افراد ناشناس بوده‌اند که بدون تخریب قفل در خانه و مقاومت مقتولان وارد خانه شده و در فرصت مناسب دست به قتل زده‌است. همچنین حلق آویز شده نشان داد آرزو ابتدا با طناب به چنگک لوستر حلق آویز شده و بعد طناب بریده و به کف اتاق منتقل شده است. مأموران در بررسی‌های بعدی به فرید که دستش زخمی بود، مظنون شدند و از وی تحقیق کردند. وی در ادعایی گفت: من شب قبل به خانه دوستم حمید رفتم. شب پیش او بود تا اینکه دقایقی قبل او مرا به خانه‌مان رساند تا وسیله‌ها را بردارم و با او به داخل خیابان بروم. وقتی وارد خانه شدم با جسد پدرم روبه‌رو شدم و بعد با جسد خواهرم که در اتاقش حلق آویز بود، مواجه شدم که ابتدا طناب را پاره کرد و جسد آرزو را پایین آورد و بعد هم به پلیس خبر دادم.

انکار قتل همسر در جلسه دادگاه

مرد جوانی که متهم است شش سال قبل همسرش را به قتل رسانده است، روز گذشته در جلسه محاکمه اتهامش را انکار کرد.

به گزارش خبرنگار ما، ۳۱ فروردین ماه سال ۸۸ بود که مأموران پلیس شهرستان اسلامشهر از مرگ مشکوک ۲۷

وی درباره زخم دستش گفت: روز قبل با خواهرم به خاطر موضوعی درگیر شدم. او با چاقویی به من حمله کرد. وقتی چاقو را از او گرفتم، دستم برید تا اینکه پدرم به خانه آمد و به همین دلیل از خانه قهر کردم و شب را به دوستم رفتم. وی در پایان گفت: من احتمال می دهم خواهرم ابتدا پدرم را کشته و بعد به خاطر عذاب وجدان خودکشی کرده است. او سوی دیگر کار اگاهان در بررسی‌ها متوجه آثار خون روی لباس آرزو شدند که مشخص شد این خون را عامل حادثه بعد از قتل با ظرفی به لباس او ریخته است تا با صحنه‌سازی و فریب پلیس صحنه را طوری جلوه دهد که آرزو پس از قتل پدرش دست به خودکشی زده است. همچنین مشخص شد وی اصلاً حلق آویز نشده است بلکه طنابی به دو قسمت بریده شده که قسمتی از آن به چنگک لوستر و قسمتی هم به گردن مقتول گره خورده است.

بنابراین کار اگاهان متوجه تناقض گویی‌های فرید شدند و وی را مورد بازجویی تخصصی قرار دادند. متهم این بار که چاره‌ای جز بیان حقیقت نداشت و به قتل پدر و خواهرش اعتراف کرد. وی گفت: ما خانواده تحصیل‌کرده‌ای بودیم. پدرم پزشک طب سنتی و مدرکش را از ایتالیا گرفته بود و تخصصش را هم از



کنور کانادا. خواهرم دانشجوی فوق لیسانس ژئوفیزیک دانشگاه آزاد علوم تحقیقات بود و خودم نیز دانشجوی کارشناسی رشته بیولوژیک دانشگاه آزاد تهران شمال هستم. چند سال قبل که مادرم بر اثر بیماری سرطان فوت کرد، من و خواهر و پدرم در خانه‌مان در خیابان فلسطین با هم زندگی می کردیم. وی ادامه داد: من پدرم را خیلی دوست داشتم، اما با خواهرم با توجه به اینکه از نظر سنی به هم نزدیک بودیم، گاهی اوقات مشاجره لفظی داشتم.

عصر روز حادثه خواهرم در حال تماشای شبکه ماهوارای جی‌ام سسی بود و من شبکیه را عوض کردم تا سریال مورد علاقه‌ام را ببینم که خواهرم ناراحت شد و با هم درگیر شدیم. او چاقویی از آشپزخانه برداشت به طرف من حمله کرد که چاقو از دستش گرفت. آنقدر عصبانی بودم که با کاش شلوارِی او را خفه کردم. خیلی ترسیده بودم و نمی‌دانستم چه کار کنم که جسد خواهرم را به اتاقش بردم تا با صحنه‌سازی پلیس را فریب دهم که پدرم از بیرون وارد خانه شد. لحظه بدی بود برای اینکه پدرم از قتل دخترش باخبر نشود، ناگهان دستم به خون پدرم افتاد و در تاریکی اتاق با چاقو به او حمله کردم. بعد از آن بود که صحنه‌سازی را انجام دادم و

که کامیار به اتهام قتل عمد بازداشت شد. او مدعی شد که همسرش دست به خودکشی زده اما نتوانست دلیل موجهی برای این ادعا ارائه کند. با کامل شدن تحقیقات باز پرس با توجه به شواهد موجود در پرونده کامیار را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و پرونده برای رسیدگی روی میز هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفت. روز گذشته بعد از رسمیت پیدا کردن جلسه، اولیای دم گفتند که در خواست قصاص دارند، چرا که کامیار از روی عمد دخترشان را از ساختمان به پایین انداخته و باعث مرگ او شده است. کامیار که باسیرین موقوف به آزادی از زندان شده بود، وقتی در جایگاه قرار گرفت بار دیگر اتهام قتل را انکار کرد.

او گفت من مردم را دوست داشتم و عاشق او بودم. من هرگز او را کتک زدم و علت جراحات‌های روی بدنش را هم نمی‌دانم چه بود. اگر زنده بود گواهی می داد که به او علاقه دارم. متهم



به خانه دوستم رفتم تا اینکه دوباره به خانه‌مان برگشتم و موضوع را به پلیس خبر دادم. من حتی از خانه دوستم چند بار با خانه‌مان تماس گرفتم تا دوستم به من مشکوک نشود، اما آخر دستم رو شد. همزمان با ادامه تحقیقات دو عموی متهم تقاضای قصاصی دادند و دو عمه آن تقاضای دیه کردند و یکی از عمه‌ها هم متهم را بخشید.

متهم پس از تحقیقات تکمیلی، قرار مجرمیتش از نسوی قاضی سعید احمدیگی به جرم دو قفسه قتل عمد صادر شد. وی به زودی در دادگاه کیفری شماره یک استان تهران محاکمه خواهد شد.

درباره علت تأخیر در برگزاری مراسم عروسی هم گفت: یک سال بعد از مراسم عقد بود که تصمیم گرفتم مراسم عروسی را برگزار کنم، اما دایی شیوفاوت شد و مراسم به تأخیر افتاد. بعد هم تصمیم به خرید خانه گرفتم و بار دیگر مراسم ما به تأخیر افتاد. البته همسرم بیماری افسردگی داشت و خیلی وقت‌ها به خاطر این بیماری گریه می کرد. او تحت تأثیر همین بیماری با خانواده خودش هم اختلاف داشت. روز حادثه هم او را به بیمارستان تماس گرفتم دوستانم به تماس او جواب داد تلفن همراهمش تماس گرفتم دوستانم گفتند که همسرم از جواب داد و گفت که شیوا به خانه‌ای که خریده بودیم، رفته است. بعد هم همسرها تماس گرفتند و گفتند که همسرم از ساختمان سقوط کرده و فوت شده است. هیئت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم وارد شور شدند.

قتل پیر مرد به خاطر سرقت دستگاه برش

مرد سنگ کار وقتی متوجه سرقت دستگاه فرز از سوی سارق پراید سواری شد به در خودرو و اویزان شد تا مانع فرار شود، اما سارق خشن آنقدر او را به در و دیوار کوبه کوبید تا به قتل رسید.
به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۵ عصر روز دوشنبه قاضی سعید احمدیگی، باز پرس ویژه قتل از دادسرای جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۶۱ ایوثر از قتل مرد سالخورده‌ای با خبر شد. یکی از مأموران به باز پرس گفت: لحظاتی قبل مرد ۲۴ساله‌ای در حالی که اثر زخم روی بدنش نمایان بود به بیمارستانی در جنوب تهران منتقل شد که متأسفانه به خاطر شدت جراحات و ضربات جسم سخت به سرش فوت کرده بود. پس از اعلام این خبر بازرس در محل حادثه به تحقیق پرداخت. نخستین بررسی‌ها نشان داد مقتول دقایقی قبل در حال سنگ کاری دیوار خانه‌اش در کوچه ۲۹ خیابان شهسواری حقیقی، حوالی خیابان ایوثر بوده که مرد پراید سواری دستگاه فرز او را سرت می کند. پس از این مقتول برای اینکه مانع فرار سارق شود به در خودروی او آویزان می شود که سارق با سرعت زیاد او را به در دیواری می کوبد تا اینکه مرد سالخورده به زمین می خورد و سارق قاتل هم از محل با خودرواش می گریزد. یکی از شاهدان حادثه گفت: من جلوی پنجره خانه‌ام بودم که مشاهده کردم مقتول داخل کوچه در حال سنگ کاری دیوار خانه‌اش است. او با دستگاه فرز سنگش‌ها را برش می زد و به دیوار می چسباند.

دقایقی بعد در حالی که سنگ فرز او روی زمین بود، مرد سالخورده به خاطر سنگ کاری از دستگاه فرز فاصله گرفت که خودروی پراید مشکئی وارد کوچه شد و در یک چشم به هم زدن راننده پیاده شد و دستگاه فرز را برداشت و سوار خودرواش شد. مرد سالخورده وقتی متوجه سرقت دستگاه فرز شد با داد و فریاد از مردم کمک خواست، اما داخل کوچه کسی نبود که به داد او برسد. سپس مقتول به طرف خودرو رفت و خودش را به در سمت راننده اویزان کرد تا مانع فرار سارق شود، اما سارق با بی‌رحمی تمام به سرعت خودرواش افزود و او را به دیوارها کوباند تا اینکه مقتول دستش را رها کرد و نقش بر زمین و سارق هم موفق به فرار شد. لحظاتی بعد همسایه‌ها از خانه‌شان بیرون آمدند، اما دیر شده بود و از سارق اثری نبود. بعد از آن بود که با اورژانس تماس گرفتند، اما حدود ۳۵ دقیقه طول کشید که عوامل اورژانس از راه رسیدند. مرد سالخورده را به بیمارستان منتقل کردند که متوجه شدیم فوت کرده است.

در ادامه جسد مقتول برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به دست قاضی سعید احمدیگی به پزشکی قانونی فرستاده شد. کار اگاهان تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی و دستگیری سارق قاتل آغاز کردند.

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

عامل جنایت خیابان ایتالیا محاکمه می شود

بازداشت جویندگان گنج

سه جوینده گنج در کوه‌های شهرستان سامان چهار محال و بختیاری به دام پلیس افتادند.
مأموران پلیس شهرستان سامان بعد از اطلاع از حفاری غیرمجاز شبانه در کوه‌های اطراف شهر در محل حاضر شدند و سه نفر را که مشغول حفاری بودند، بازداشت کردند. در بازرسی از وسایل متهمان یک عدد کوزه سفالی قدیمی کشف کردند.

مرکز شهرستان سامان در فاصله حدود ۲۰ کیلومتری مرکز چهارمحال و بختیاری واقع شده و این شهرستان از کانون‌های مهم گردشگری در استان است.

مرگ زن سالخورده

در انفجار خانه

انفجار گاز در یک خانه مسکونی در شهرستان صحنه یک کشته بر جای گذاشت.
وقتی مأموران پلیس و امدادگران در محل حادثه حاضر شدند، متوجه شدند صاحبخانه که پسرزن ۸۰ساله‌ای بود به علت شدت جراحت فوت شده است. رعایت نکردن نکات ایمنی علت حادثه اعلام شده است.

دستگیری ۳ دزد طلاپی

سه عضو یک شبکه سرقت طلا در شهرستان بیجار به دام پلیس افتادند.

چند روز قبل بود که مرد طلافروشی در شهرستان بیجار به مأموران پلیس خبر داد که مقداری از طلاهایش سرقت شده است. او گفت دو مرد و یک زن برای خرید طلا وارد مغازه‌ام شدند.

آنها به زبان عربی حرف می‌زدند. بعد از دیدن چند قطعه طلا از خرید منصرف شدند و مغازه را ترک کردند.

لحظاتی بعد از رفتن آنها، در حال چیدن ویرتین بودم که فهمیدم آنها با مپهارت طلاهای اصلی را با بدل جابه‌جا کرده‌اند.

بعد از مطرح شدن شکایات، مأموران پلیس دوربین مداربسته را بررسی کردند و ضمن به دست آمدن تصاویر پر سه متهم، صحنه سرقت هم بررسی شد.

تحقیقات در این باره ادامه پیدا کرد و مأموران موفق به بازداشت سه متهم شدند. از خودروی متهمان هم دو رشته گردنبند، سه حلقه انگشتر، مقداری دلار و یورو کشف شد. بررسی‌های اولیه نشان داد که هر سه نفر از مجرمان سابقه‌دار و با طبقه فیوج هستند که بارها به اتهام سرقت به دام پلیس افتاده بودند. آنها در بازجویی‌ها به جرمشان اقرار کردند و تحقیقات بیشتر از متهمان در جریان است.

کشف محموله افیون

در بطری‌های آب معدنی

۹۲ کیلو تریاک که در ۱۷۰ بطری آب معدنی جاسازی شده بود، در شهرستان جسنورد کشف شد.
روز گذشته، مأموران پلیس شهرستان جسنورد متوجه شدند که قاچاقچیان مواد مخدر را از استان سیستان و بلوچستان به شهرستان جسنورد قاچاق کرده‌اند.

مأموران پلیس بعد از شناسایی مخفیگاه متهمان چهار عضو باند را بازداشت و در بازرسی از محل ۱۷۰ بطری آب معدنی حاوی ۹۲ کیلوگرم تریاک از صندوق عقب یک خودروی کیا سراتو کشف کردند.

جولان افراد مسلح

در پارک منطقه ۱۹

کمیسرین نظارت شورای شهر از فعالیت افراد مسلح در پارکی در منطقه ۱۹ خبر داد.
به گزارش «پسنا»، پرویز سرسوری در جلسه روز گذشته شورای شهر تهران و در واکنش به گزارش شورایابری منطقه ۱۹ گفت: در منطقه ۱۹ یک پارک ۱۸۰ هکتاری وجود دارد که افراد مسلحی که حتی بایدگارد دارند نیز در این پارک فعالیت می کنند. وی با بیان اینکه کل منطقه ۱۹ تنها با یک کلانتری اداره می شود، تصریح کرد: باید برای موضوع امنیت این منطقه چاره‌اندیشی کرد و پیشنهاد می شود از فرمانده ناجا با ستاد کل نیروهای مسلح دعوت شود تا در خصوص امنیت این منطقه و برنامه‌هایشان توضیحاتی را ارائه کنند.

خارج از مدار

تکرار تیراندازی

در مدارس امریکا

تیراندازی دانش آموز نوجوان در یکی از مدارس ایالت اوهایو در امریکا چهار زخمی بر جای گذاشت.
در این حادثه چهار نفر دچار مجروحیت شدند که شدت جراحت آنان وخیم گزارش نشده است.

این تیراندازی دو روز قبل اتفاق افتاد و پسر ۱۴ساله‌ای به سمت همکلاسی‌های خود تیراندازی و سپس از محل فرار کرد. به گفته پلیس محلی چهار نفر که در جریان حادثه مجروح شده بودند، به بیمارستان منتقل شدند.